



**برادرم خسرو- احسان بیگلری - ۱۳۹۴**
ناھید (هنگامه قاضیانی)، چی حالتو خوب می‌کنه؟ خسرو (شهاب حسینی)- نمی‌دونم... می‌خوام برم / ناهید: کجا خسروجان؟ خسرو: نمی‌دونم... اصلا دیگه نمی‌دونم... مخم نمی‌کشه... عقلم به جایی قد نمی‌ده...نمی‌دونم کی ام، چی‌ام... اصلا چی می‌خوام. ناهید: من می‌فهمت. خودمم حالم مثل تونه. منتها باهاش کنار اومدم. صبح بلند می‌ششم می‌رم راه می‌رم، میام کارای خونه رو می‌کنم، می‌شینم برای تخصصص می‌خونم. بالاخره زندگی همینه دیگه... به جوری باید باهاش کنار اومد. فکرکردن ما چیزی رو عوض می‌کنه؟

● **پرورش دهندگان گاو میش در ساحل کرخه‌نور این روزها با مشکل کم‌آبی و بی‌آبی مواجه شدند و این حیوانات که تداوم زندگی آنها به آب شیرین و آب‌تنی مداوم نیاز دارد، روزهای سختی را می‌گذرانند.**

عکس: خلیل موسوی، مهر



## تحلیل

## غریب‌یادگار!



ناتمامی مسابقه پرسپولیس و تراکتور در اواخر بازی را اتفاقی معمولی در سطح مسابقات باشگاهی بنیمیم؛ آنچه دیدیم حکایت از زخمی کهنه دارد که این بار گل‌درشت‌تر شده است. قبول کنیم سنگ، فحش و مشت‌های گره‌کرده‌ای که تثار شد، ورای حیرت بود. فوران خشم و عصبان تماشاگران آن‌قدر برجسته بود که غریب آن، دورتر از یک استادیوم هم شنیده شد. دیگر صحبت از عده‌ای تماشاگر متعصب و تماشاگر‌نما، ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. نگرانی و دست‌وپا کم‌کردن‌های احمدی، مجری برنامه تلویزیونی در زمان قطع بازی نشان داد که مشکل او بیشتر از سردرگمی در پی پیداکردن واژه برای یک بازی تمام‌فوتبال است؛ او درحالی‌که خودش آرام نبود، از همه می‌خواست که مدیریت هیجان و بحران داشته باشند. راستی چگونه می‌شود در بحبوحه فوران هیجان‌ها، بدون ایجاد سوءتفاهم، کنترل بحران و عواطف سرکش داشت. وقایع شامگاه پنجشنبه بیست‌ونهم اردیبهشت در ورزشگاه یادگار امام تیریز تصویر عریان جامعه‌های پاره‌پاره بود. جامعه‌ای که خیلی وقت است در پیداکردن مصادیق هویت‌بخش ملی سردرگم است. انکار دیگر یک فرهنگ مشترک ما را به هم متصل نمی‌کند، خاطرات جمعی ما عامل اشتراک ما نیست، اصالت‌های مغزی همدیگر را درک نمی‌کنیم و عলাیق و دغدغه‌های مشترک نداریم. پیوندهای ما آن‌قدر سفت نیست که در هنگامه کل‌انداختن به یادمان بیندازد این فقط یک مسابقه فوتبال باشگاهی در لوای یک بستر مشترک است. جوامع پویا نیاز دارند که روح ملی را در کالبد خود بدمند. برای یک «ملت شدن» به ابزار کارآمد ارتباطی نیاز است. بیش از یک قرن است که بسیاری کوشیدند تا فوتبال را زبانی برای پیونداندن حلقه‌های عسیره‌ای جداافتاده از هم معرفی کنند. پنجشنبه‌شب فقط پرسپولیس نبود که در ورزشگاه میهمان تحقیر شد و فقط دل‌آتهایی که آمده بودند تا فارغ از گرفتاری‌های کمرشکن این‌روزها فوتبال بیینند، نشکست؛ ذات فوتبال خوار شد و کنار هم روی سکوها و پای گیرنده‌ها نشستن و با هم مسابقه‌دادن در سیهر یک فرهنگ مشترک بی‌معنا شد. پیشنهاد می‌کنم علاوه بر بررسی‌های رسمی وقایع استادیوم یادگار، گوشه‌چشمی به حال دل مردمان سرزمین قلعی ایران هم داشته باشیم.

### یادداشت

## به خورشید سلامی دوباره خواهیم داد



در این روزهای سخت و ملتهب که شوق زیستن و ماندن هر روز کمرنگ‌تر می‌شود، در بستر بیماری اقدام و ناگهان قلبم را به زیر تیغ بردند. احساس می‌کنم تلخی و سنگینی سال‌های گذشته و اضطرابی که داشتم، دلم را عمیق به تنگ آورد و بیمارم کرد. آنچه گذشت و می‌گذرد آسان نبود و نیست اما چند چیز شوق ماندن و زیستن را در من در سخت‌ترین دقایق بررنگ می‌کرد. اولین آنها فروغ فرخزاد بود. من فکر می‌کنم که من ماندم و دوام آوردم زیرا از عمق قلبم می‌خواستتم تازه‌ترین اثرم بر روی اشعار فروغ فرخزاد را که به دلیل کرونا انتشارش به تعویق افتاد، ببینم. عشق به فروغ و عاشقانه‌های او در اوج لحظه‌های بیماری چون باران نور در ظلمت قلبم می‌خزید و گویا فروغ، همان مهربانی بود که به خانام با چراغ و یک دریچه می‌آمد تا من به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم. بعد از فروغ، بودنم را مدیون پزشکان و پرستارنم هستم. پزشکان و پرستارانی که مانند همه آنانی که در دو سال سخت گذشته برای سلامت کشور جان‌فشانی کردند، در نهایت دقت، حوصله، آرامش و عشق کاری کردند من که چون طفلی هراس‌ان بودم، به چراغ و آب و آینه بیوستم و ترسیدم.

و درنهایت عشق...

من ماندم و دوام آوردم چون عاشقم، عاشق طبیعت، عاشق ایران، عاشق موسیقی، عاشق شعر، عاشق شهرزاد، عاشق رنگ، عاشق خواهر و برادرانم که افسانه عشقشان هزار شاهنامه است، عاشق زیستن و خلق‌کردن. امروز که سعادت دارم بار دیگر به خورشید سلام کنم، مهر و محبت همه آنانی که در این روزها دست دختر و همسرم را با عشق و دوستی فشردند و تنهایشان نگذاشتند، از عمق قلبم ارج می‌نهم. از تیم محترم پزشکی‌ام که از من در تمام مسیر از تشخیص تا درمان، مانند عضوی از خانواده خود، با عشق، مراقبت و حمایت کردند، قدردانی می‌کنم. با آرزوی سلامتی و سربلندی برای همه ایران و جهان
❖**هوشنگ کامکار به‌تازگی عمل قلبی داشته است و پس از آن این مطلب را نوشته است. برای این هنرمند آرزوی سلامتی داریم.**



● **پرورش دهندگان گاو میش در ساحل کرخه‌نور این روزها با مشکل کم‌آبی و بی‌آبی مواجه شدند و این حیوانات که تداوم زندگی آنها به آب شیرین و آب‌تنی مداوم نیاز دارد، روزهای سختی را می‌گذرانند.**

عکس: خلیل موسوی، مهر



# تراژدی برای فرزندان ایران

لازم را در نظر بگیرد. چرا در ماه‌هایی که فرصت همه این پیش‌بینی‌ها وجود داشته است، تمهیدات لازم از سوی سازمان محیط زیست اندیشیده نشده تا امروز چنین فاجعه‌ای در کشورمان رخ ندهد؟

۷ **آیا از همان روزی که کارشناسان محیط زیست جنسیت توله یوزها را به اشتباه ماده اعلام کردند، سازمان محیط زیست نمی‌توانست جدی‌تر به مسئله سلامت و آینده یوزهای ارزشمند ورود کند؟** کارشناسی و کارشناسانی که نمی‌توانند جنسیت یوز را به‌درستی اعلام کنند، آیا صلاحیت نگهداری از این یوزها را داشتند؟

۸ **گفته شده توله‌یوزها به دلیل مصرف شیر بی‌کیفیت تلف شده‌اند.** کالبدشکافی‌ها نشان از یبوست شدید به دلیل وجود لخته‌های شیر مصرف‌شده داشته است. باز هم سازمان محیط زیست در دوران بارداری یوزپلنگ مادر فرصت تهیه یا برند معتبر جهانی را داشت. درعین‌حال وقتی توله اول به دلیل شیر بی‌کیفیت تلف شده است، چرا چاره‌ای برای توله‌های بعد اندیشیده نشد و برند معتبر در این فاصله تهیه نشده تا به تلف‌شدن دومین توله منجر شود؟

۹ **نکته فاجعه‌بارتر اینکه گفته می‌شود نخوه شیردادن به توله‌یوزها اشتباه بوده است.** این موضوع مهم مطرح شده که به علت نداشتن علم کافی، شیردهی به توله‌ها به صورت وارونه انجام شده و در نتیجه شیر وارد ریه‌های توله‌یوز شده و توله تلف شده است. پاسخ سازمان محیط زیست دراین‌باره چیست؟

۱۰ **علت این است که هنگام سزارین یا پس از زایمان، یوزها بدون دستکش لمس شده‌اند و در نتیجه توله‌ها بوی انسان گرفته‌اند.** همین مسئله نیز باعث شده یوزپلنگ مادر فرزندان خودش را نپذیرد.

۱۱ **سازمان محیط زیست از همان روزی که سزارین صحرایی یوزپلنگ ماده انجام شد تا اکنون به پریش‌های طرح‌شده پاسخی مناسب نمی‌دهد.** کارشناس محیط زیست می‌گویند همه آزمایش‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته درباره یوزپلنگ ماده به صورت پنهانی بوده و پایش و مانیتورینگ درستی در دوره بارداری «ایران» انجام نشده است. حتی گفته می‌شود در آخرین معاینه‌ای که صورت گرفته، ایران در سلامت کامل قرار داشته و هیچ علامتی از سخت‌زایی در او دیده نشده است.

۱۲ **تیم اجرائی و علمی مرکز تکثیر یوز آسیایی شامل چه کسانی می‌شود؟** چه تخصص‌هایی دارند؟ چه دوره‌هایی را طی کرده‌اند و توان علمی و تخصصی‌شان در چه حد است؟ آنها چه تصمیم‌هایی درباره «ایران» و فرزندانش گرفته‌اند؟ چقدر حضور داشته‌ند و تا چه حد از متخصصان واقعی برای رسیدگی به یوزها دعوت کرده‌اند؟

۱۳ **سازمان محیط زیست تلف‌شدن توله یوزها را گردن تحریم انداخته است.** سهم تحریم در مرگ یوزها چقدر بوده و سهم بی‌تدبیری‌های مدیران محیط زیست چقدر؟ البته تحریم‌ها همه شئونات زندگی مردم را به مخاطره انداخته و زندگی را سخت کرده است؛ اما در این ماجرا به طور قطع نمی‌توان سهم مدیران سازمان محیط زیست و نحوه‌مدیریت‌شان را نادیده گرفت.

۱۴ **در نهایت اینکه مقصر مرگ فرزندان ایران کیست؟** چه کسی یا چه کسانی باید بابت تلف‌شدن توله‌یوزها پاسخ‌گو باشد؟ باید انتظار داشته باشیم رئیس سازمان محیط زیست و مدیران مرتبط با این اتفاق تلخ استعفا بدهند؟ باید منتظر ورود مجلس و دولت به این مسئله باشیم تا ضمن بررسی دقیق و همه‌جانبه این اتفاقات تلخ، جزئیات این ماجرا را به گوش مردم برسانند و با خاطیان برخورد کنند؟

تجربه‌های قبلی در بی‌تدبیری‌ها و خطاهای بزرگ و بزرگ‌تر نشان داده که نه‌تنها هیچ مدیری توبیخ نشده است، بلکه رسیدگی و شفاف‌سازی هم صورت نمی‌گیرد. پس دور از تصور نیست که بگوییم در مجاری یوزهای ایرانی این‌بار هم نه‌تنها دولت اقدامی نمی‌کند، بلکه از مجلس هم حرکتی سر نمی‌زند. شاید برخی از نمایندگان مجلس در مصاحبه‌هایشان تذکر بدهند و اندکی صدایشان را بالا ببرند. در نهایت محیط زیست همچنان یک موجود مفلسوک باقی می‌ماند. در صورتی‌که انتظار می‌رود مجلس درباره این موضوع، گزارشی کارشناسی تهیه و برای آگاهی افکار عمومی منتشر کند یا دولت با تشکیل یک هیئت تخصصی، گزارشی جامع ارائه و اصلاحات مدیریتی لازم را اعمال کند تا چنین رویدادی دوباره تکرار نشود. اما فعلا فقط باید امیدوار باشیم و دعا کنیم اتفاقی برای سوسومین توله‌یوزپلنگ نیفتد؛ چون عملکرد مسئولان در همه این سال‌ها نشان داده است محیط زیست در ساختار موجود حائز اهمیت نیست.



دومین توله‌یوزپلنگ آسیایی هم تلف شد. یک ضایعه بزرگ و یک ناامیدی دیگر، در ماجرای مرگ یوزهای بسیار ارزشمند و نادر که به گفته مسئولان محیط زیست کمتر از ۲۰قلاده از آنها در ایران باقی مانده، مجموعه‌ای از اشتباهات و بی‌تدبیری‌ها صورت گرفته است. و البته پرسش‌هایی که هنوز پاسخی کامل و به عبارتی محکمه‌پسند به آنها داده نشده است.

۱ **اولین نکته اینکه چرا سزارین صحرایی؟** چرا توله‌های «ایران»، یوزپلنگ مادر از طریق سزارین صحرایی به دنیا آمدند؟ گفته می‌شود این کار با مشورت دامپزشک مشاور و معتمد سازمان محیط زیست صورت گرفته است. در مقابل برخی از کارشناسان حوزه محیط زیست، سزارین صحرایی را اشتباه دانسته‌اند. آیا به‌جز دامپزشک شاعلر در محیط زیست، این امکان وجود نداشت که از تجربه سایر دامپزشکان متخصص و باتجربه هم استفاده شود؟ چرا از تجربه‌های بین‌المللی برای موضوع به این مهمی استفاده نشده است؟

۲ **اگر سزارین صحرایی راه درستی بود، آیا کسی که این سزارین را انجام داده، از تجربه کافی برخوردار بود؟** این چندمین سزارین یک دامپزشک ایرانی برای یک یوزپلنگ است؟ قطعاً اولین تجربه سزارین صحرایی یوزپلنگ؛ چون این نخستین بار در دنیا بود

که یک یوزپلنگ آسیایی در شرایط اسارت موفق به زایمان می‌شد. پس سؤال بعدی اینکه آیا سزارین را به‌درستی انجام داده؟ گفته می‌شود برش‌هایی که ایجاد کرده، نادرست بوده است. به طوری که احتمالاً موجب نازایی این یوز ماده شده است. مسئله تاسف‌بار اینکه گفته می‌شود این یوز ماده آسیب، تنها ماده ایرانی یوز موجود درحال‌حاضر است. آیا نمی‌شد برای سزارین یوزها دامپزشکان مطرح را به کنشورمان دعوت کنیم و این کار حساس به صورت گروهی و با مشورت و نظارت آنها انجام شود؟ اگر شرایط حضور دامپزشکان کشورهای دیگر وجود نداشت، نمی‌شد سازمان محیط زیست از جامعه دامپزشکی کشور دعوت کند تا این کار حساس زیر نظر این جامعه علمی انجام شود؟

۳ **عمل سزارین یوز ماده در شرایطی صورت گرفته که «چیتا کبیر» یا نگه‌ارنده تخصصی یوز در کشور وجود نداشت.** ظاهراً مسئولان محیط زیست نمی‌دانستند که برای سزارین صحرایی نیازمند چنین دستگاهی هستند. این میزان ناآمادگی و غفلت چگونه جبران‌پذیر است؟

۴ **این روزها بسیاری از کارشناسان محیط زیست می‌گویند دانش و تخصص کافی در مورد یوزها در ایران وجود ندارد.** حتی معاون محیط زیست هم این مسئله را تأیید می‌کند. درحالی‌که برخی از کشورهای جهان از تخصص و آگاهی بیشتری برای حفظ و حمایت از یوزها برخوردار هستند. چرا از توان و تجربه‌های جهانی برای حفظ این گونه بسیار ارزشمند استفاده نمی‌کنیم؟ چه افرادی وجود دارد که با بهترین‌های جهان برای حفظ این یوزهای کم‌تعداد ارتباط بگیریم؟ و چرا همیشه بر قطع ارتباط با جهان و جذب‌کردن تخصص‌های بین‌المللی اصرار همیشگی وجود دارد؟

۵ **محیط زیست یکی از تخصصی‌ترین حوزه‌هاست.** محیط زیست دامنه بسیار گسترده‌ای دارد. ازاین‌رو تخصص‌های بی‌شماری را طلب می‌کند. حتی یک نمونه کوچک آنکه به موضوع تلف‌شدن یوزها برمی‌گردد، این است که دامپزشکانی که روی فیل یا کرگدن تحقیق می‌کنند، نسبت به دامپزشکانی که روی گربه‌سانان کار می‌کنند، تجربیات متفاوتی کسب می‌کنند. با توجه به تعداد بسیار کم یوزهای آسیایی در ایران و احتمال انقراض نسل‌شان، سازمان محیط زیست می‌تواند از مجرب‌ترین کارشناسان بین‌المللی دعوت کند که میهمان ایران باشند و دوره‌هایی برای کارشناسان کشورمان برگزار کنند؛ به‌خصوص که تجربه تکثیر یوزها در اسارت را نداشته‌ایم. سازمان محیط زیست برای دانش‌افزایی در زمینه حفظ و نگهداری یوزها چه کارهایی تاکنون انجام داده است؟

۶ **از زمانی که یوزپلنگ ماده باردار شد تا زمانی که توله‌هایش را به دنیا آورد، سازمان محیط زیست فرصت داشت شرایط مناسب برای زایمان «ایران» را بررسی کند،** درباره نحوه نگهداری از توله‌ها مطالعه کند، تهدیدهای احتمالی را شناسایی کرده و مقدمات اجرایی

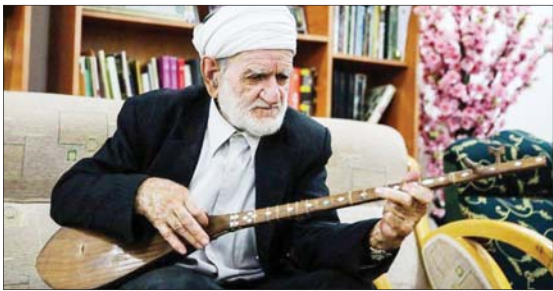
## چه خبر

**فرانس ۲۴:** ونچلیس، موسیقی‌دان یونانی و خالق موسیقی آثاری مانند «ارابه‌های آتش»، «فتح بهشت»، و «بلید ران» ۷۹سالگی درگذشت.

دلیل درگذشت این آهنگ‌ساز نامدار یونانی هنوز مشخص نشده، اما بر اساس اعلام خبرگزاری آتن او در بیمارستانی تحت درمان کویوید ۱۹ بوده است. «ونچلیس» بیشتر برای ساخت موسیقی فیلم برنده اسکار «ارابه‌های آتش» به شهرت رسیده است؛ فیلم تاریخی و درام به کارگردانی «هیو هادسن» که درباره دو ورزشکار است که برای حضور در المپیک تمرین می‌کنند.

### ید

## عثمان دوتار نواز و میراثی که به یادگار گذاشت



عثمان محمدپرست - دوتار نواز شناخته‌شده کشورمان - پس از اینکه حالش رو به وخامت گذاشت و دو روز در بیمارستان زادگاهش خواف بستری شد، پنجشنبه، ۲۹ اردیبهشت جان خود را از دست داد. او در سال‌های پایانی عمر همچنان عاشق سیم‌های دوتارش بود. تعداد زیادی از مسئولان و هنرمندان کشور درباره درگذشت او پیام‌های تسلیتی منتشر کرده‌اند. کیهان کلهر نیز درباره او نوشته است: «امانتدار و قدردان میراث گرانبهایی که از او و گذشتگان پیش از او به جا مانده باشیم.» او بخشی از سخنان این هنرمند را نیز بازنشر کرده که در آن می‌گوید: «این موسیقی همه را به خدا می‌رساند، همه را به ذکر وامی‌دارد؛» ویدئویی کوتاه که اسباب تشویق است و ایجاد و شور و علاقه برای هنرمندان نوازنده کشورمان. ایمنی نیز به بازخوانی گفت‌وگو و گزارشی پرداخته است که سال پیش با او داشته‌اند. در این گزارش آمده است: «او روی ویلچرش نشسته و از خاطراتش می‌گوید، از اینکه پدرش مخالف تارزدن او بوده و مردم هم در آن دوران به چنین جوان اهل موسیقی‌ای مطرب می‌گفتند و آزرده‌خاطرش می‌کردند اما عثمان از آنها ناراحتی‌ای به دل ندارد و آن توهین‌ها را به حساب فضای فرهنگی آن زمان می‌گذارد. برای ساززدنش استادی نداشته؛ صدای ساز را شنیده و ابزارش را در دست دیگران دیده و به آن علاقه‌مند شده و شروع به ساززدن کرده است. به گفته خودش ساززدن را از خدا یاد گرفته و لطف خدا بوده است. پدر عثمان مخالفت جدی با ساززدن او داشته و به همسرش گفته که او را به خانه راه ندهد اما در روزی که صدای موسیقی عثمان را که در وصف پیامبر اسلام(ص) آواز می‌خوانده، می‌شنود، نظرش تغییر می‌کند و می‌گوید هرچه دارم خرج موسیقی تو می‌کنم. از نظر استاد محمدپرست، تمام دوتار ذکر خداست و مدام از خدا یاد می‌شود. چهار کلاس سواد دارد و پس از مدرسه به کارکردن پرداخته است؛ از دامداری پدرش تا بازکردن مغازه خواروبارفروشی و پس از آن هم خریدن اتوبوس. می‌گوید «مگر من کی هستم؟» از دامداری پدر شروع کرده و الان آن قدر مردم من را دوست دارند، این لطف خدا است». عثمان رمز موفقیتش را نوآوری نکردن برای کسی به‌جز مردم می‌داند؛ می‌گوید: «من دروغ نگفتم، دزدی نکردم، خیانت نکردم، چاخان نکردم» و از همه مهم‌تر که «پول» نگرفته است. از نظر او پول زندگی مردم را اداره می‌کند اما هیچ‌وقت به سمت پول نرفته و طبق دستور خدا و رسولش کار کرده است. از محبوبیتش می‌گوید، از سفرهای خارجی‌ای که به کشورهای ای‌جمله آلمان، آمریکا، روسیه، ژاپن، انگلیس و… رفته. از تهران، مشهد و دیگر شهرهای داخلی هم یاد می‌کند. محبت تک‌تک مردم را به یاد دارد. اگرچه در روزگاران قدیم که تازه ساززدن را آغاز کرده بود، بعضی از مردم او را با صفات خوبی یاد نمی‌کردند اما عثمان از آن زمان‌ها گذر کرده و به محبوبیتی که الان نزد مردم دارد، می‌بالد. عثمان محمدپرست پس از دوتار، ویولن و برخی سازهای دیگر را هم نواخته است؛ با حسی که به قول خودش «دیوانگی» است از لحظات نواختن سه‌گانه، شور، همایون و… با دوتارش برایمان صحبت می‌کند. می‌گوید: «خیلی‌ها باور نمی‌کنند اما من با همین دوامر چنین چیزهایی را نواختم؛» چیرهایی را که با شش‌تار و… می‌زنند، با همین دوامر می‌زنم». عثمان با همت خیران و مردم، بانی ساخت ۹۲۰ مدرسه شده است. با دوتارش به همه چیز رسیده و با همین سیم‌های دوتار آپرئومند شده و از زندگی اش رضایت دارد. مراسم تشییع و اقامه نماز بر پیکر این هنرمند روز جمعه، ۲۰ اردیبهشت، هم‌زمان با نماز ظهر در مصلای خواف برگزار و او در همین شهر نیز به خاک سپرده شد.

### پیشنهاد

## تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق

چاپ سوم کتاب تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق توسط انتشارات مرز و بوم و از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده و در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود. این کتاب نوشته آقای دکتر حسین علایی، استاد مدیریت استراتژیک دانشگاه تهران و یکی از فرماندهان عالی دوره دفاع مقدس است که در دو جلد منتشر شده است. کتاب در ۱۰ فصل سازماندهی شده و موضوع جنگ عراق با ایران را از ابعاد مختلف

به‌ویژه در حوزه‌های نظامی، سیاسی، دیپلماسی و فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است. در این کتاب به تمامی وقایع رخ‌داده در دوره جنگ پرداخته شده و روایت کاملی از چرایی بروز جنگ و مسیر تحولات دفاع مردم ایران در برابر ارتش متجاوز عراق تا چگونگی خاتمه‌یافتن جنگ ارائه شده و به حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان نیز پرداخته شده است. جلد اول کتاب شامل پنج فصل و ۷۱۲ صفحه و جلد دوم هم شامل فصل ششم تا فصل دهم است که در ۶۰۶ صفحه انتشار یافته. چاپ سوم کتاب حدود صد صفحه مطالب جدید اضافه نسبت به چاپ قبلی دارد و اطلاعات درج‌شده در آن کامل‌تر است. مطالعه این کتاب به علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران به‌ویژه به دانشجویان و استادان تاریخ و علوم نظامی و مدیریت پیشنهاد می‌شود.



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌سان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۱۹ شوال ۱۴۴۳ • ۲۱ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۸۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷

اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۵